



Anthropological study of the subsistence system of Hawar Neshini in Hawraman territory

Mansour Mansouri Moghaddam¹ | Aziz Mostafaei² | Jamil Mafakheri Bashmagh³

1. Corresponding Author, PhD Graduate in Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: m.moughadam@gmail.com

2. PhD student in anthropology, University of Tehran

3. PHD Student, economics and development sociology

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023.06.17

Received in revised form:
2023.07.31

Accepted: 2023.08.06

Published online: 2023.09.01

Keywords:

Hawar Neshini, Cultural adaptation, Anthropology, Hawraman

ABSTRACT

Humans have devised a diversity of ways in order to adapt with different environments found in different eras. Accordingly in the cultural, environmental and ecological events and interactions anthropologist's duty is to focus on the parts of the culture that have more powerful communication with the environment. The purpose of the study is anthropological research on interactions of Hawraman's people and their environment as well as the way they cope with it. The methodology is field research and the way information gathered was anthropological (ethnography). The study reports that the inhabitants of Hawraman have devised a special type of lifestyle called Hawar Neshini according to their environment and ecology. The lifestyle is defined as migration of Hwaraman's people between two different areas with different heights. The migration takes place due to environmental limitations and pressures in providing water supply, rescuing from the heat and going to the cooler weather of the heights, and most importantly because of the subsistence needs of the people in this area. In accordance with the study three different types of Hawar Neshini lifestyle can be found in Hawraman: 1. Hawar Neshini based on animal husbandry (western area), 2. Hawar Neshini based on gardening (Eastern area), and 3. Compound Hawar Neshini based on both animal husbandry and gardening (central area).

Cite this article: Mansouri Moghaddam, M., Mostafaei, A & Mafakheri Bashmagh, J. (2023). "Anthropological study of the subsistence system of Hawar Neshini in Hawraman territory". *Iranian Journal of Anthropological Research*, 12(23),163-185. <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360706.459818>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360706.459818>



مطالعه انسان‌شناختی نظام معیشتی هوارنشینی در منطقه هورامان کردستان

منصور منصوری مقدم^۱ | عزیز مصطفایی^۲ | جمیل مفاخری باشماق^۳

۱. دانش آموخته دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه تهران و مدرس گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.moughadam@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه تهران
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تهران

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: زنان سرپرست خانوار، قرنطینه خانگی، تعامل با فرزندان، کرونا، تحلیل مضمون</p>	<p>یکی از پدیده‌های نوظهور در دوران مدرن، زنان سرپرست خانوار است که گاهی به‌عنوان یک مسأله اجتماعی نیز شناخته می‌شوند. در این نگاه، اغلب مطالعات مربوط به زنان سرپرست خانوار، رویکرد اقتصادی (درآمدی) و کمک به بهبود معیشت آنان را برجسته نموده و جنبه‌های تعاملات اجتماعی آنان (درون و بیرون از خانواده) مغفول واقع شده است. هدف این پژوهش نگاه نزدیک و درون‌نگرانه به زوایای زندگی (درون خانوادگی/تعامل با فرزندان) زنان سرپرست خانوار، در شرایط قرنطینه خانگی با شناخت موقعیت‌های خاص آن‌هاست. این تحقیق با روش تحلیل مضمون انجام شده و جامعه مورد مطالعه زنان سرپرست خانوار دارای فرزند بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۵ نفر تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امکان سازگاری یا تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار در این شرایط کم و کمتر شده و با انتخاب‌ها یا رفتارهایی از قبیل ازدواج مجدد، تن‌فروشی، کار در خانه‌های دیگران، خشونت نسبت به فرزندان، افسردگی، زندگی در کنار خانواده همسر (پدر یا مادر همسر)، بازماندگی فرزندان به دلیل عدم توان در تأمین امکانات آموزشی فضای مجازی و غیره، هرچه بیشتر در شرایط بحرانی غرق شده و امکان حفظ و بهبود شرایط زندگی و پایداری آن را متزلزل کرده است.</p>

استناد: منصور مصطفایی، عزیز و مفاخری باشماق، جمیل (۱۴۰۲). «مطالعه انسان‌شناختی نظام معیشتی هوارنشینی در منطقه هورامان کردستان» پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۲(۲۳)، ۱۶۳-۱۸۵. Doi: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360706.459818>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.360706.459818>

۱. مقدمه و بیان مسئله

در هر جامعه‌ای ممکن است انواع تمهیدها برای تطبیق با مسایل گوناگون محیطی به کار برده شود. رفتار انسان عموماً بسیار پیش‌بینی پذیر و متعارف است، آدم‌ها گرایش به این دارند که در شرایط یکسان تصمیم‌های یکسانی بگیرند، اگر چنین نباشد، زندگی گروهی انکان ناپذیر می‌شود. آدم‌ها به گونه‌ای منظم تصمیم‌های عمده‌ای درباره قضایای اساسی معیشتی نظیر اینکه چه تصمیمی در خصوص کشت این یا آن محصول اتخاذ کنند، چه روش‌های برای تامین معاش خود در پیش بگیرند، با چه کسی معاشرت داشته باشند و یا اینکه به صورت گروهی کار کنند یا انفرادی، هر روزه باید تصمیم‌گیری کنند. یکی از دغدغه‌های علم مردم‌شناسی از ابتدای شکل‌گیری آن تا زمان حاضر، مطالعه و تحقیق پیرامون زندگی مردمانی است که بنا بر انطباق طبیعی و با التفات به شرایط جوی در هم آغوشی با طبیعت، گونه خاصی از زندگی را پذیرا گشته‌اند.

هورامان در کردستان یکی از مناطقی است که همانند معماری، فعالیت‌های اقتصادی آن، متأثر از شرایط طبیعی و جغرافیایی آن است. هورامان منطقه‌ای است بسیار کوهستانی و خشن و به لحاظ جغرافیایی دارای موانع طبیعی متعددی است که زندگی ساکنان آن را بسیار تحت تاثیر قرار داده است. علی‌رغم وجود کوه‌های بلند و صخره‌ای، دره‌های عمیق، آب و هوای گرم و خشک در تابستان و زمستان‌های خشن، مردم هورامان در طول سالیان گذشته سعی داشته‌اند با محیط خود به گونه‌های متعدد انطباق پیدا کرده و با آن سازگار شوند (محمدپور، ۱۳۹۲). این انطباق با بهره‌گیری از نوعی سازگاری فرهنگی انجام گرفته است، زیرا به دلیل عدم وجود زمین‌های مسطح و هموار، و محدود شدن فعالیت‌های زراعی، ساکنان این منطقه به سمت صنایع دستی، دامداری و باغداری سوق یافته‌اند و این امر سبب شکل‌گیری سبک خاصی از زندگی و نظام معیشتی تحت عنوان «هورانشینی» شده است. در طول سالیان متعدد، این نوع از زندگی با جابه‌جایی و کوچ مردمان این منطقه بین دو نقطه جغرافیایی با اختلاف نسبی ارتفاع همراه بوده است. این جابه‌جایی، بنابر فشارها و محدودیت‌های محیطی در زمینه تامین آب مورد نیاز، فرار از گرما و پناه بردن به هوای خنک ارتفاعات و از همه مهمتر تحت تاثیر نیازهای معیشتی ساکنان منطقه انجام می‌گیرد.

این منطقه در طول دهه‌های اخیر، تغییرات متعددی را تجربه کرده است، بدین معنا که ورود برخی از عناصر توسعه‌نظیر ارتباطات، حمل و نقل، فعالیت‌های اقتصادی خدماتی جدید، برخورداری از تسهیلات رفاهی جدید مانند برق، گاز، تلفن، وسائل نقلیه ماشینی و غیره باعث شده است که نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این منطقه تحت تاثیر ورود عناصر مدرن قرار گرفته و تا اندازه‌ای متحول شده و از شکل سنتی آن فاصله گیرد (محمدپور، ۱۳۹۲). با این اوصاف، شیوه زندگی هوارنشینی در منطقه هورامان همچنان به قوت خود باقی است و این امر نشان از تناسب و کارایی این سبک از زندگی با محیط کوهستانی منطقه دارد. از این روی، مطالعه و بررسی زندگی هوارنشینی از جنبه‌های مختلف آن می‌تواند به عنوان بخشی از تلاش‌های باشد که در راستای درک و فهم عمیق‌تر از یک فرهنگ کلی صورت بگیرد. منطقه هورامان سابقه‌ای بس طولانی دارد اما با این حال تاکنون، آنگونه که باید و شاید پژوهش‌های میدانی مردم‌شناسی در مطالعه زیست هوارنشینی این منطقه جای خود را باز نکرده‌اند، بنابراین این تحقیق می‌تواند زمینه‌های مطالعاتی، پیرامون زیست هوارنشینی را فراهم نموده و داده‌ها و اطلاعاتی پایه‌ای را برای پژوهشگران بعدی که می‌خواهند در این راه قدم بگذارند، عرضه نماید.

۲. پیشینه تجربی تحقیق

پیشینه تحقیق میدانی در ایران به نیمه نخست قرن چهاردهم هجری باز می‌گردد و پیشرو این پژوهش دو تن خارجی، کال گونار فیلبرگ از دانمارک (۱۳۱۴/۱۹۳۵) و فردریک بارث (۱۳۳۷/۱۹۵۸) از نروژ بودند. تحقیق میدانی فیلبرگ در ایل کوچنده «پاپی»، در

ناحیه بالاگریوه در جنوب لرستان بود که نتایج تحقیقاتش را در دو کتاب چادر سیاه (۱۹۴۴) و ایل پاپی (۱۹۵۲) منتشر کرد. پژوهش میدانی بارث در میان رمه گردانان ایل باصری فارس بود که یادداشت‌هایش را در سال ۱۹۶۱ منتشر کرد. تک نگاری ایل باصری از برجسته‌ترین پژوهش‌های میدانی در یک فرهنگ دیگر بود که شهرت جهانی یافت و امروزه از منابع مهم مردم نگاری کلاسیک در رشته مردم شناسی به شمار می‌رود.

در اوایل ۱۹۵۰ پیترز مطالعاتش را درباره بادیه نشینان سیرینیکا (شمال آفریقا) و گولیور^۱ درباره قبیله ترکانا (در آفریقا) به پایان رسانده بودند و در همین موقع پرسون^۲ و ویتکر^۳ از طرف مطالعات بین‌المللی مشغول به بررسی قبیله کوچ نشین لاپ در شمال اروپا که از راه پرورش گوزن امرار معاش می‌کنند، پرداختند. از طرفی در همین زمان دوپیر^۴، هاپن^۵ و استنینگ^۶ در بین قبایل فولانی در غرب آفریقا مشغول پژوهش بودند و همچنین کنیسون^۷ مطالعاتش را در بین قبیله عرب باگاره در سودان آغاز کرده بود. در اواسط ۱۹۵۰ پژوهش‌های دیگری نظیر مطالعات لوئیس درباره کوچ نشینان سومالی، و پژوهش پرسون درباره قبیله ماری از قوم بلوچ و مطالعات طولانی ژاکوب^۸ درباره ماسائی‌های شرق آفریقا و همچنین از مطالعات اسپنسر^۹ درباره کوچ نشینان سامبورو (کنیا) و مطالعات بعدی استنینگ درباره کوچ نشینان بهیما (اوگاندا) و مطالعات بارث درباره باصری‌های (ایران) باید نام برد. در نتیجه، در در فاصله بین نگارش دو کتاب روابط اجتماعی در بین قبیله کوچ‌نشین لاپ (۱۹۵۵) و اعراب باگاره (۱۹۶۶) که به ترتیب بوسیله ویتکر و کنیسون نوشته شده‌اند، دانسته‌های ما درباره کوچ نشینان به حدی رسیده بود که عملاً امکان تغییر جهت در پژوهش‌های مربوط به کوچ نشینی فراهم شده بود. از ۱۹۶۰ به بعد کوچ نشینان خاورمیانه مورد توجه مردم شناسان غربی قرار گرفتند. چنانکه اسپونر^{۱۰} و سالزمن^{۱۱} در بین بلوچ‌های ایران، سالزر^{۱۲} در بین قشقائی‌ها، آیرون^{۱۳} در بین ترکمن‌های ایران، ریچارتاپر^{۱۴} در بین شاهسون‌ها، بیثس^{۱۵} در بین یورک‌های ترکیه، فرنیه^{۱۶} در بین قبایل جنوب عراق، سویدلر^{۱۷} در بین براهوئی‌های پاکستان و بالیکسی^{۱۸} در بین قبائل پشتون در افغانستان به پژوهش پرداختند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۴).

با نگاهی اجمالی بر ادبیات مرتبط با تحقیق حاضر می‌توان گفت که اکثر قریب به اتفاق مطالعات انجام شده در منطقه هورامان، در ارتباط با حوزه معماری و گردشگری می‌باشد و درصد کمی از آثار بررسی شده به موضوع هوارنشینی در منطقه هورامان پرداخته‌اند. با این اوصاف، پیری (۱۳۳۹۸) در کتاب «جغرافیای تاریخی پالنگان» اشاراتی مختصر به زندگی هوارنشینی و ویژگی‌های آن داشته است. منصوری مقدم (۱۳۹۶)، در قالب طرح پژوهشی «مطالعه مردم‌شناسی هورامان»، فصل جداگانه‌ای را به موضوع زندگی

- 1 Gulliver
- 2 Person
- 3 Wittaker
- 4 pir
- 5 Hopen
- 6 Stenning
- 7 Cunnison
- 8 Jacob
- 9 Spencer
- 10 Spooner
- 11 Salsman
- 12 Salzer
- 13 Iron
- 14 Tapper
- 15 Bates
- 16 Fernea
- 17 Swindler
- 18 Balikci

هورانشینی اختصاص داده است. او در این اثر، بصورت مفصل، به بررسی مردم‌شناختی زندگی هورانشینی مبتنی بر الگوی دامداری در هوار هانیه واقع در ارتفاعات شاهو (پالنگان) پرداخته است. باقر نسب (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی به مستندسازی دانش بومی باغبانی و فرآورده‌های جنگلی در منطقه اورامان پرداخته است. یکی دیگر از آثار مرتبط با موضوع تحقیق «بررسی ویژگی‌های زندگی هورانشینی در منظر فرهنگی هورامان» می‌باشد (طالب‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰).

۳. روش‌شناسی تحقیق

در کار میدانی معمولاً حضور مردم‌شناس در میدان تحقیق؛ بر جریان آهنگ زندگی مردمان مورد مطالعه تاثیر گذار بوده و در بسیاری از موارد به اخلال در زندگی روزمره آن‌ها منجر می‌شود و به همین دلیل در مراحل آغازین ورود به جامعه مورد مطالعه، اهالی ممکن است به دلیل ورود و حضور یک فرد بیگانه (مردم‌شناس) بسیاری از کارهای روزمره خودشان را طبق روال گذشته انجام ندهند و یا مطابق با میل او انجام دهند به همین دلیل با حضور طولانی در میدان تحقیق و برقرار ارتباط دوستانه و نزدیک توانستیم بر این موضوع فائق آییم. بسیاری از روستاهای منطقه هورامان در طول سالیان گذشته به عنوان مراکز توریستی درآمده و ارتباطات اجتماعی و روابط اقتصادی در میان اهالی منطقه تحت تاثیر حضور و فرهنگ گردشگر، قرار گرفته و در بسیاری از حوزه‌ها تغییراتی چشمگیری به وجود آمده بود و به همین دلیل به افرادی غیربومی که وارد این روستاها می‌شد به دیده توریست نگاه می‌شد و این موضوع در برخی جاها نگارندگان رو به زحمت می‌انداخت. به همین دلیل، با صرف زمان و انرژی بیشتر در میدان طوری رفتار و عمل می‌کردیم که هدف از حضور ما در آن محل، برای اهالی واضح و روشن شود. به عنوان مثال در یکی از روستاهای منطقه که در آنجا مستقر بودیم زمانی که نگارنده (م. م. م) قصد داشت از یکی از مردان مسن روستا اجازه خواست که عکس بگیرد، آن مرد در جواب گفت که در ازای این کار بایستی مبلغی پول به من بدهید. هر چند انجام مطالعات میدانی ما بر محور مشاهده قرار داشت و از مشاهدات دست اول جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده گردید اما با این وجود جهت کسب اطلاعات بیشتر و تکمیلی از مصاحبه‌های قوم‌نگارانه نیز استفاده گردید.

ما در این تحقیق از مشاهده مشارکت‌آمیز در بسیاری از حوزه‌ها بهره گرفتیم، و در مواردی نقشی در جامعه مورد مطالعه بر عهده می‌شدیم. به عنوان نمونه زمانی که در روستای دولو حضور داشتیم و تعدادی از اهالی روستا در حال جمع‌آوری خوشه‌های انگور جهت تبدیل به کشمش بودند هر کدام از ما در این زمینه مشارکت کرده و به صاحب باغ کمک کردیم و به عبارتی خود را درگیر موضوع کرده و از این راه بهتر توانستیم فعالیت مورد نظر را درک کرده و بفهمیم. علاوه بر مشاهده، از مصاحبه‌های قوم‌نگارانه جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز نیز استفاده گردید. به همین دلیل در موقعیت‌های که امکان مشاهده وجود نداشت و یا جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر و تکمیلی و راهیابی به فراسوی برداشت‌های سطحی، هم از مصاحبه‌های باز (به صورت گفتگویی) و مصاحبه‌های نیم‌باز (تا حدودی هدایت شده) نیز بهره بردیم.

۴. هوار و ویژگی‌های آن

جهان هورامانی‌ها به مناطق مرتفع و بلند، ارتفاعات متوسط و دره‌های عمیق تقسیم می‌شود. منطقه هورامان برای انسان‌ها محیط نامهربانی است و همین واقعیت است که از گذشته‌های دور تاکنون، هورامانی‌ها را در برابر مهاجمان و همرنگی با جمعیت‌های همسایه محافظت کرده است. بارش باران همچنان که دسترسی پذیری به آب را در منطقه هورامان مشخص می‌سازد، تا حدودی هم الگوهای معیشتی و سکونت را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. با نگاهی به روستاهای موجود در پهنه هورامان و مکان‌گزینی آنها این

مهم نمایان می‌شود که اغلب روستاها در امتداد دره‌ها و در پایین دست سرچشمه‌ها تشکیل شده‌اند. آب و چشمه‌ها در این دیار از اهمیت بالایی برخوردار بوده و دارای قداست هستند؛ چشمه‌ها، تامین کننده آب شرب و باغات این منطقه می‌باشند. با سپری شدن چهل و پنج روز از بهار، میزان آبدهی چشمه‌ها کم کم کاهش می‌یابد. و این ایام به «باران بران»، یعنی فصل انتهایی بارش باران معروف است. در اواسط اردیبهشت ماه، آیینی سنتی به نام «کومسای» در برخی از مناطق هورامان (هورامان تخت) برگزار می‌شود. مردم هورامان در این روز دور هم جمع شده و جشنی برپا می‌کنند و در نهایت اهالی تصمیم می‌گیرند با سخاوت بسیار، آب را به باغات هدیه دهند و خودشان راهی ارتفاعات شده و زندگی هوارنشینی را در پیش گیرند. بدین سان، اهالی هورامان، از اواسط اردیبهشت به بعد، به سکونتگاه‌های موقت خود در هوار کوچ کرده، و تا اواخر شهریور در آنجا می‌مانند. اهمیت این موضوع در فرهنگ منطقه تا حدی است که در هنگام کوچ به هوار و بازگشت از آن، جشن‌هایی برگزار می‌گردد، جشنی تحت عنوان «بانه مهر» در اردیبهشت ماه در هنگام رفتن به هوار، و در مهر ماه، جشنی تحت عنوان «هورانمان» به مناسبت کوچ از بیلاق و برگشت از کوهستان به آبادی برگزار می‌شود (شمس، ۱۳۹۳: ۳۳۳-۳۴۱). بدین سان، می‌توان گفت هوار مکانی است در ارتفاعات هورامان که مردمان این مناطق، بخشی از سال را در آنجا سپری می‌کنند و هوارنشینی به شیوه معیشت و زیست مردمان این منطقه در ارتفاعات گفته می‌شود. هوارنشینیان، به صورت دسته جمعی و متشکل از حدود ۳۰ تا ۲۰۰ خانوار در پیرامون هوارگه‌های دائمی خود که در نزدیکی چشمه‌های آب واقع شده، گردهم می‌آیند. از دلایل اصلی هوارنشینی، علاوه بر تامین آب که در بالا شرح آن رفت، استفاده از هوای متبوع و خنک ارتفاعات و تامین علوفه مورد نیاز دام می‌باشد (منصوری مقدم، ۱۳۹۶: ۴۵).

کوچ در هوار به صورت دورانی است. به این صورت که اهالی هر روستا در مسیر کوچ خود، در چندین نقطه، اقامت کوتاهی دارند. هوارنشینیان ابتدا در هوارهای نزدیک به روستا سکنا گزیده و از تمامی امتیازهای موجود در آن (آب و هوای مطبوع، علوفه و ...) استفاده کرده و بعد راهی منطقه دیگری می‌شوند و این کار تا رسیدن به مرتفع‌ترین مکان در ارتفاعات ادامه می‌یابد. این شیوه از کوچ بیشتر در گذشته مرسوم بوده و در حال حاضر تنها هوارهای واقع در نقاط مرتفع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در انتها فصل هوارنشینی یعنی اوایل مهر ماه هوارنشینیان ابتدا در میان باغ‌ها سکنا می‌گزینند و بعد از برداشت میوه‌های پاییزی (انار) به روستاها بر می‌گردند. در مطالعه که روی ۱۹۲ نقطه هوار در پهنه هورامان انجام شده می‌توان به سه الگوی غالب هوارنشینی در این منطقه دست یافت: الگوی اول: هوارنشینی مبتنی بر دامداری؛ الگوی دوم: هوارنشینی مبتنی بر باغداری و الگوی سوم: هوارنشینی ترکیبی دامداری-باغداری.

۴-۱. الگوی اول: هوارنشینی مبتنی بر دامداری

هوار مکانی است در ارتفاعات هورامان که مردمان این مناطق، بخشی از سال را در آنجا سپری می‌کنند و هوارنشینی به شیوه معیشت و زیست مردمان این منطقه در ارتفاعات اطلاق می‌شود. هوارنشینیان، به صورت دسته جمعی و متشکل از حدود ۳۰ تا ۲۰۰ خانوار در پیرامون هوارگه‌های دائمی خود که در نزدیکی چشمه‌های آب واقع شده، گردهم می‌آیند. از دلایل اصلی هوارنشینی، علاوه بر تامین آب که در بالا شرح آن رفت، استفاده از هوای متبوع و خنک ارتفاعات و تامین علوفه مورد نیاز دام می‌باشد (منصوری مقدم، ۱۳۹۶: ۴۵). در حوزه غربی هورامان، وجود مراتع بسیار با ارزشی همچون ارتفاعات شاهو باعث شکل‌گیری الگوی هوارنشینی مبتنی بر دامداری شده است. بدین سان، یکی از ویژگی‌های بارز نظام معیشتی منطقه هورامان با توجه به خصیصه کوهستانی بودن آن، اشتغال مردمان این دیار به زیست دامداری است. دامداری در هورامان با نام‌های چون «حیوان داری» و «دولت داری» شناخته می‌شود و دامدار را «دولتمند» خطاب می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت که دام مهمترین و بزرگترین سرمایه و دارایی این مردمان است.

در این شیوه از زندگی، دام علاوه بر ارزش اقتصادی، دارای ارزش غذایی نیز است و به دلیل پایین بودن سطح تکنولوژی و عدم دسترسی به زمین مسطح و کافی و به تبع آن پایین بودن سطح تولیدات کشاورزی، دام نوعی ذخیره غذایی حیوانی است که این مردمان را در برابر گرسنگی و قحطی بیمه می‌کند. علاوه بر آن، میزان برخورداری از تعداد دام‌ها، می‌تواند به عنوان معیاری جهت متمایز کردن جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد به شمار می‌رود و هر خانواده را با تعداد دام‌های که دارا است می‌شناسد.

در الگوی هوارنشینی مبتنی بر دامداری، از یک نظر «هوار» مکانی است در ارتفاعات بلند کوه‌های سر به فلک کشیده هورامان که محل استقرار دامداران و دام‌هایشان در بخشی از سال می‌باشد. از سوی دیگر می‌توان گفت که هوار نیز نوعی واحدی اجتماعی است که تعدادی مال خویشاوند که به زندگی دامداری مشغول هستند دور خود جمع کرده و از مراتع اشتراکی خود در محدود مشخص هوار جهت تغذیه دام‌ها بهره‌برداری می‌کنند. در منطقه هورامان هر طایفه و روستایی از هوار مشترکی برخوردار است که فاصله آن تا محل استقرار دائمی آنها در روستاهای واقع در پایین دست ارتفاعات، حدوداً چند ساعت بیشتر به درازا نمی‌کشد و دامداران منطقه بخشی از سال را در آنجا مستقر می‌گردند. در این منطقه، هر هواری از نامی برخوردار است و این نام می‌تواند برگرفته از اسامی چشمه‌های موجود در محل و یا از چیزهای دیگر است و در بین تمامی اهالی دور و نزدیک منطقه به همان نام شناخته می‌شود.

۴-۱-۱. الگوی تحرک و استقرار

منطقه هورامان برای انسان‌ها محیط نامهربانی است و همین واقعیت است که از گذشته‌های دور تاکنون، هورامی‌ها را در برابر مهاجمان و همرنگی با جمعیت‌های همسایه محافظت کرده است. بارش باران همچنان که دسترسی‌پذیری به آب را در منطقه هورامان مشخص می‌سازد، تا حدودی هم الگوهای سکونت را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. از اواخر اردیبهشت ماه، هورامی‌ها به سکونتگاه‌های موقت خود در هوار کوچ می‌کنند تا اواخر شهریور در آنجا می‌مانند. هوارنشینان هر منطقه به صورت دسته جمعی و متشکل از حدود ۳۰ تا ۲۰۰ خانوار در پیرامون هوارگه‌های دائمی خود که در نزدیکی چشمه‌های آب واقع شده، گردهم می‌آیند. کوچ مردمان هوارنشین به دسترسی‌پذیری منابع در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بستگی دارد. مردمان هورامان، از طریق حرکت کردن خود و جابجا کردن دام‌های خود به طرف منابع غذایی، خودشان را با منابع موجود در محیط شان سازگار می‌کنند. هوارنشینان گروه‌های هستند که هر چند همانند سایر عشایر جابجا می‌شوند اما نسبت به سایر گروه‌های عشایری دیگر، از تحرک و جابجایی کمتری برخوردارند و کوچ آنها به صورت عمودی- دورانی و با مسافتی کوتاه تر و بعد زمانی کمتر از یک روز انجام می‌گیرد. هوارنشینان، برای خود اقامتگاه‌های دائمی دارند. ولی در بخشی از سال برای بهره‌برداری از منابع فصلی و تحت تاثیر تغییرات جوی و میزان دسترسی به آب از اقامتگاه‌های دائمی خود در روستاها به طرف اقامتگاه‌های موقتی تحت عنوان «هوار» کوچ می‌کنند و پس از بهره‌برداری چند ماهه از منابع محیطی برای خود و دام‌هایشان و تحت تاثیر تغییرات شرایط جوی، دوباره به اقامتگاه‌های دائمی خود یعنی روستاهای واقع در قعر دره‌ها و یا در دامنه کوه‌ها در مناطق مختلف هورامان بر می‌گردند و مابقی سال را در آنجا سپری می‌کنند.

هر چند که دلیل اصلی جابجایی هوارنشینان هورامی، تضمین علوفه کافی در طول سال برای دام‌هایشان می‌باشد، اما این تنها دلیل آن نیست. آنها اگر تنها به دلیل جستجوی مرتع کوچ می‌کردند نیازی به جابجا شدن از سکونتگاه‌های دائمی به سکونت‌گاه‌های موقت نداشتند، آنها همچنین به دلیل تغییرات در شرایط جوی و حاکم شدن گرمای زیاد که از اواسط بهار، زندگی را در سکونتگاه‌های دائمی واقع در قعر دره‌ها یا مناطق پست‌تر مشقت بار می‌سازد جابجا می‌شوند و از این طریق بدون نیاز به هر گونه تکنولوژی،

زندگی آسوده ای را در هوارگه‌ها واقع در ارتفاعات در پیش می‌گیرند. هر نظری که درباره هوارنشینان داشته باشیم نباید چنین تصور کنیم که آنها به گونه انعطاف‌ناپذیری به شیوه واحدی از زندگی پای‌بند هستند.

۴-۱-۲. معماری و ساخت کلارها در هوار

معماری هوار در هوارنشینی شاهو (هوار هانیه) به صورت خشک چین و دایره‌ای شکل است، به این نوع مسکن در هورامان، «کلار» گفته می‌شود. هر ساله، این سازه‌ها از نو بازسازی می‌شوند. سقف آنها با گیاهان خوشبو شاهو پوشیده شده و بعد از پایان فصل هوارنشینی گیاهان خشک شده سقف جمع‌آوری و برای علوفه دام به روستاها حمل می‌شود.



تصویر ۱. دورنمایی از هوار هانیه، ارتفاعات شاهو (منبع: راشدی)

از نکات جالب توجه در معماری هوار شاهو می‌توان به تقسیمات فضا اشاره کرد که مکان مختص به دام و انسان به خوبی تعریف شده است و حريم‌ها به صورتی تعریف شده که ورودی خانوارها روبروی همدیگر قرار نگرفته است و از این لحاظ امنیت خاطری برای ساکنان هوار فراهم کرده است. محل نگهداری احشام و انبار علوفه در اطراف محل سکونت اهالی قرار گرفته است. معماری هوار شاهو به احتمال زیاد قدیمی‌ترین نوع مسکن در منطقه باشد و به نوعی یادآور مراحل آغازین یکجانشینی در زمان نوسنگی است. بیشتر کلارهای که در هوار هانیه برپا هستند از قدمت طولانی برخوردار هستند. در ساخت کلارها از مصالحی بومی و موجود در محیط زیست آنها استفاده شده است. به دیوار کلارها «که له ک» می‌گویند که کلا از سنگ می‌باشد. در صورتی که در محل حداث کلار، سنگ بزرگی در آن جا وجود داشته باشد آن را برنمی‌دارند و یا خرد نمی‌کنند، بلکه از آن به عنوان بخشی از دیوار استفاده می‌شود.



تصویر ۲. نمای از هوار هانیبه، پالنگان، ارتفاعات شاهو (منبع: منصور منصوری مقدم)

در میان هورامی‌ها، معمولاً چند روز قبل از جابجایی و کوچ کردن به هوار، تعدادی از اعضای خانواده به هوار رفته تا کلار را آماده سکونت کنند. بعد از آب و جارو کردن کلار، مقداری خاک سفید را از اطراف آورده و بعد آن را در آب قاطی نموده و بر کف کلار می‌مالند و سپس با یک سنگ سفید مخصوص که سطح صاف و همواری دارد و در اصطلاح محلی به آن «هیله سان» یا «سی ره کوله» می‌گویند، کاملاً خاک کف کلار را با این سنگ صاف و مسطح می‌کنند. که به این کار در اصطلاح محلی «کلار ناوای» می‌گویند. آنها سقف کلار را هم با چوب‌های بلند (در اصطلاح محلی به آن دَسک می‌گویند) و کوتاه (مروله) که به طور منظم بر روی دیوارهای کلار قرار می‌دهند، بازسازی می‌کنند. به این ترتیب که چوب بلند (دَسک) را در وسط قرار داده و چوب‌های کوتاه (مروله) را از یک طرف بر روی دیوار کپور و طرف دیگر آن بر روی دَسک قرار می‌دهند. در ادامه نایلونی یک دست و بزرگ روی چوب‌ها و سقف کلار قرار داده و روی آن را با شاخ و برگ درختان می‌پوشانند.



تصویر ۳. نمای ورودی کلارهای سنگی (منبع: منصور منصوری مقدم)

به این ترتیب کم کم کپر آماده سکونت می‌شود. معمولاً هر کدام از این کلارها متعلق به یک خانواده است و معمولاً از فضاهایی زیر تشکیل شده است: در ورودی؛ راهرو؛ «که لار» یا «په چه: محل نگهداری از گاو و الاغ؛ «کوزه»: محل نگهداری از بز و گوسفند؛ «کونه لان»: محل نگهداری مشکه و کونه؛ آشپزخانه (پانه چوه رینه)؛ انبار مواد غذایی (سکوی تیان و دغل و دان) و «تختان».



تصویر ۵. نمایی از سقف کپر (د سَک و مروله)

تصویر ۴. تصویری از قسمت کونه لان کپر

با شروع فصل سرما و ترک هوار، هر ساله سقف کلارها را تخریب کرده و گیاهان و برگ درختانی را که در پوشش سقف استفاده شده، می‌کوبند و جهت مصرف دامها در فصل زمستان با خود به روستا می‌برند و شاخه‌های مورد استفاده در سقف را نیز برداشته و در گوشه ای از کلار جمع نموده تا بتوانند سال بعد دوباره از آنها استفاده کنند. فضای عبور و مرور بین کلارها و کوچه‌ها در هوار به صورتی است که همه راه‌ها و کوچه‌ها به هم مرتبط بوده و نشان از ارتباطات گسترده و صمیمی مردم در هوازنشینی است. کپر‌ها خیلی به هم نزدیک بوده و همسایه‌ها معمولاً به آسانی صدای هم را می‌شنوند و به عبارت دیگر، به راحتی از احوال هم خبردار می‌شوند. در بین این کلارهای نیمه سنگی-نیمه درختی، کوچه‌ها و مسیرهای باریکی به چشم می‌خورد که همه قسمت‌های هوار و کلارها را به هم وصل می‌نمود، راهروهای باریکی که نقش کوچه را ایفا نموده و در کف این کوچه‌های باریک فضولات چهارپایانی مانند قاطر و گاو به چشم می‌خورد و هیچ اثر از حضور دام‌های کوچکی مانند بز و گوسفند در محدوده کلارها نیست. فضای هر کدام از کلارها بر اساس نیاز و نوع کارکرد در بردارنده چند قسمت هستند، تقریباً در اکثر کلارها دو اتاق به هم چسپیده وجود دارد. یک قسمت جدا شده کوچک در کنار حیاط برای مرغ‌ها با سقف باز، یک قسمت برای گوساله‌ها (این قسمت مخصوص کسانی بود که گاو داشتند). یک قسمت هم برای گذاشتن دبه‌های آب بود یا یک تانکر ۱۰۰ لیتری آب وجود داشت. یک حیاط که بساط شیر و فرآوری شیر و محصولات لبنی وجود دارد. این ساختار در اکثریت کلارها به چشم می‌خورد. در هوار بیشتر از سوخت سنتی که هیزم استفاده می‌شود اما در بسیاری از خانه‌ها گاز و کپسول‌های بزرگ گازی نیز وجود دارد.

۴-۱-۳. سازماندهی انرژی

هوازنشینان اورامانات توانسته‌اند با سود جوستن از تحرک دام‌هایشان و توانایی گروه‌بندی و تجدید گروه خودشان، بر حسب اقتضای شرایط با قدرت تحرک، خودشان را با مناطق کم برکت اورامانات تطبیق دهند. تحرک فصلی گله میان مراتع بلند و پست یا کوچ عمودی، متناسب با خصیصه کوهستانی بودن منطقه اورامانات می‌باشد. هوازنشینان برای مدت زمان درازی در دو منطقه علفچر استقرار می‌یابند که مراتع تابستانی‌ها در ارتفاعات و کوهستان‌های مرتفع و مراتع زمستانی آنها در دره‌ها واقع شده است. محیط کوهستانی اورامانات باعث شده است که در این محیط که امکان کشاورزی (کشت گندم و دیم) به صورت گسترده امکان ناپذیر و به نوعی مخاطره آمیز ساخته است، شیوه زیست دامداری غلبه پیدا کند. زیرا این شیوه از زندگی، از طریق تبدیل علوفه (که مصرف مسقیم برای انسان‌ها ندارد) به شیر، گوشت و سایر فرآورده‌های دامی، می‌تواند تمهید مناسبی باشد. این خوراکی‌ها به صورت حیوانات زنده ذخیره می‌شوند، تا زمانی که نیاز به خوردن گوشت یا مبادله آنها با محصولات کشاورزی، پوشاک (برای تولید پوشاک) و کالاهای دیگری که از راه مبادله بدست می‌آید، پیش بیاید. بنابراین، دامداری در برخی از مناطق منطقه هورامان شیوه کارآمدی است برای بیرون کشیدن انرژی از محیطی که برای کشاورزی مساعد نیست. اما از آنجا که این نظام تولید در هر هکتار زمین انرژی خوراکی بسیار کمتر از نظام کشاورزی تولید می‌کند، گروه‌های که کارشان فقط دامداری است تراکم جمعیت کمتری دارند.

به دلیل اقلیم و شرایط طبیعی، هورامی‌ها بیشتر دام‌های سبکی مانند گوسفند و بز و حیواناتی مانند گاو و گوساله در سطح محدودتری پرورش می‌دهند. از فرآورده‌های لبنی آن جهت مصرف خانوار و در صورت مازاد، آن را به بازار شهرهای همجوار عرضه می‌کنند. صعب‌العبور بودن منطقه هورامان سبب شده است که پرورش بز و گوسفند جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. به طبع آن پرورش «بز مر خز» (بز نه مه ر ز) یا بز بومی کردستان به علت الیاف ویژه‌ای که از آن بدست می‌آید از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. توسعه صنایع جولایی هورامان در گذشته‌های نه چندان دور به خاطر تولید الیاف (مه ره ز) این حیوان بوده است. الیاف این حیوان مناسب تهیه لباس «چوغه و رانک» و «پسک» به شیوه‌های کاملاً سنتی بوده است. امروزه با ورود پارچه‌های ارزان قیمت دیگری به

بازارهای هورامان و پایین بودن سطح تولید شیر و قدرت زنده مانی در بزهای مرخز در مقایسه با بزهای مویی از اهمیت این نوع بز کاهش یافته و بز مویی جایگزین آن شده است. همچنین از دلایل عمده کاهش بزهای مرخز می‌توان به عدم توسعه یافتگی دستگاه های فرآیند تولید چوغه و رانک شامل شانه زنی، رسیدگی و پارچه بافی برای تهیه لباس محلی اشاره کرد. علاوه بر بز، هدف از پرورش گوسفند در اورامانات فارغ از تولید پروتئین حیوانی برای تغذیه انسان، تامین پوشاک نیز بوده است. از مهمترین تولیدات سنتی که وابسته به تولید الیاف پشم در اورامانات است، می‌توان به نمد و فه ره نجی اشاره کرد. می‌توان گفت چوغه و رانک و فه ره نجی در حال حاضر یکی از نمادهای پوشش ساکنان مردان هورامی است.

۴-۱-۴. سازمان اجتماعی

هورانشینان اورامانات مانند بیشتر جوامع دیگر، شبکه‌های خویشاوندی گسترده‌تری دارند، اما مهمترین واحد اجتماعی آنها، خانواده گسترده است. آنها با خانواده شان زندگی، کار و امورات دیگر را انجام می‌دهند و هر آنچه را که دارند در میان افراد خانواده تقسیم می‌کنند و به نظر می‌رسد که تا حدودی بسیار زیادی با خانواده شان احساس راحتی و امنیت می‌کنند. این خانواده‌های گسترده‌تر در چهارچوب گروه خویشاوندی بزرگتری تحت عنوان طایفه سازمان داده می‌شود و عموماً با هم کوچ می‌کنند و به انجام امورات دامداری می‌پردازند. هوار نشینان عموماً به عنوان اعضای یک طایفه و در هوارگاه‌های (سکونت‌گاه‌های) مشخص و متشکل از خانواده‌های خویشاوند زندگی می‌کنند. عرصه محلی منابع طبیعی، حجم این سکونتگاه‌ها و جمعیت هوارنشینان را تعیین می‌کند. عامل تعیین کننده در تطبیق این شیوه از زیست، قاعده همیاری است. آنها در حوزه پرورش دام‌ها و در بسیاری از جوانب دیگر از جمله تقسیم غذا و کالاهای دیگر نوعی همیاری و همکاری بین آنها رایج است. تقسیم کار و وظایف در این جامعه بر حسب سن و جنسیت تعیین می‌شود. برخی از خانوارهای که در هوار زندگی می‌کنند به نسبت افراد دیگر با نفوذترند و در این جامعه مردان با نفوذترند از زنانند و از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند. امروزه در میان هوارنشینان کمتر پیش می‌آید که کسی از قدرت نهادمندی برخوردار باشد، یعنی با تصدی یک سمت رسمی برای دیگران تصمیم‌گیری کند. قدرت تصمیم‌گیری در میان خانواده های سراسر هوارنشینان اورامانات کاملاً پراکنده است و هر کدام از آنها تا حدود خیلی زیادی از استقلال در تصمیم‌گیری و رای برخوردارند. به همین سان، نظام‌های نظارت اجتماعی در میان آنها کم و بیش غیررسمی است. در این زمینه، نظم بیشتر بر مبنای توافق‌های روزانه است تا از طریق اجرای قوانین مدون به وسیله یک سلسله مراتب اداری. قواعد کردار و اعمال آن، بخش جدایی ناپذیر سنت‌ها، اسطوره‌ها و ایدئولوژی این جامعه را تشکیل می‌دهد.

۴-۱-۵. تامین آب در هوار

از ویژگی‌های دیگر هوارنشینی، شیوه و مهارت تامین آب در ارتفاعات است که به دو روش، آب مورد نیاز انسان و دام تامین می‌شود، یکی استفاده از یخچال‌های طبیعی است که در زبان محلی به آن «بیر یا نور» گفته می‌شود و بیشتر جهت تامین آب شرب استفاده می‌شود، با ورود به این یخچال‌ها هوارنشینان اورامانات با مهارت خاصی با کمک ساتورها بلند برف‌های بلوری چندین ساله را می‌تراشند و به شکل دلخواه خود می‌آورند و آن را حمل کرده و به هوار انتقال می‌دهند و از آن برای آب شرب استفاده می‌کنند، اغلب برف را به شکل قلب تراش می‌زنند و بر روی سنگ‌های که از قبل برای آن مهیا شده قرار می‌دهند و در منتهی الیه آن ظرفی می‌گذارند و از چکه‌های آب برف به مرور زمان پر می‌شود برای آب شرب از آن استفاده می‌شود.



تصویر ۷. نمای از پرژین برف



تصویر ۶. نمای از تامین برف از یخچال‌های طبیعی

تامین آب برای دام به شیوه دیگر انجام می‌گیرد و در اصطلاح محلی به پرژین برف یا همان پرچین برف معرف است در این شیوه روی برف‌های که کمتر در معرض نورخورشید قرار می‌گیرد با گیاهان خوشبو شاهی می‌پوشانند. در پایین دست برف‌ها یک ظرف چوبی به اسم «قَم» قرار می‌دهند قَم وسیله‌ای چوبی است جهت نگهداری آب، قَم کُنده درختی است که وسط آن را خالی کرده و از آن جهت آبشخور دام استفاده می‌شود، آب برف پوشیده شده به مرور زمان قَم را پر می‌کند و دام‌ها از آن استفاده می‌شود. در فصل تابستان مردم هوار هانیه برای تأمین آب مورد نیاز خود مسافت زیادی را طی کرده تا به چشمه برسند. بعضی از خانواده‌ها که الاغ داشتند کار حمل دبه‌های آب برای آن‌ها آسان‌تر بود، آن‌ها با درست کردن بارندهایی در دو طرف الاغ در هر بار رفتن به چشمه می‌توانستند پنج تا شش دبه آب را همراه خود به خانه بیاورند. بعضی‌ها هم با «کونه» و بعضی دیگر نیز با دبه به چشمه می‌رفتند. به هر حال زنان و دختران در طی روز باید به طور متوسط سه تا چهار بار به چشمه بروند. با توجه به اینکه در هوار امکاناتی مانند یخچال و برق وجود ندارد، بنابراین هر وقت آب خنک بخواهند به چشمه می‌روند. در بعضی از ماه‌های سال ممکن است، ساکنان هوارگه با کمبود آب شرب مواجه شوند. برای رفع این مشکل ساکنان هوارگه اغلب در حوالی اردیبهشت در چاله‌ها و یا دالان‌های سنگی موجود در کوه‌ها، برف را ذخیره و با علفه کما آن را می‌پوشانند. ساکنان هوارگه با برش و حمل برف به هوارگه و آب کردن برف‌ها آب شرب خود را تامین می‌کنند.



تصویر ۸. تامین آب مورد نیاز در فصل تابستان توسط هوارنشینان هانیه (منبع: منصور منصوری مقدم)

۴-۱-۶. شیر دوشی و «گه له بی ره»

در بسیاری از هوارها آن چه که قابل توجه است تعداد زیاد دام‌های آنها می باشد که آنها را به دو گله بزرگ تقسیم می‌کنند و هر کدام از گله‌ها فقط یک چوپان دارد و هر بار یکی از اهالی هوار باید همراه چوپان و کمک او باشند و با هم گله را به چرا می‌برند، و به همین صورت نوبت به خانواده‌های دیگر می‌رسد. درآمد چوپان طبق قراردادی که با او می‌بندند تقریباً بعد از پنج ماه مبلغ هفت میلیون و پانصد هزار تومان به او پرداخت و هر خانواده مقداری کره و روغن حیوانی بعد از اتمام دوره قرارداد به وی می‌دهند. مردها معمولاً کار علف‌کندن و جمع‌آوری آن و همچنین انتقال آن را نیز انجام می‌دهند. هر مردی که برای تهیه علفه دام می‌رود، همسرش از قبل توشه راه و صبحانه و نهار وی را آماده می‌کند. در بعضی از مناطق اورامانات کل خانواده با هم برای کندن علفه می‌روند ولی در این منطقه به علت دوری راه و همچنین کارهای دیگر (پخت نان و غذا، شیر دوشی و تهیه ماست، مشکه زنی و ...) زنان در خانه می‌مانند. مسلماً تهیه علفه مورد نیاز برای این تعداد دام هرگز کار آسانی نیست، کندن علفه و جمع‌آوری آن و نیز انتقال علفه که گاهی با ماشین و گاهی نیز به صورت کوله بری انجام می‌گیرد، کار سخت و طاقت فرسایی است. معمولاً برای حمل علفه از قاطر نیز استفاده می‌کنند. شیردوشی در هوار شامل دوشیدن شیر گاوها (که در اصطلاح محلی به آن گاو گل می‌گویند) و همچنین شیردوشی بز و گوسفند می‌باشد.



تصویر ۹. دختر هورامی در حال شیر دوشی ارتفاعات شاهو (منبع: منصور منصوری مقدم، ۱۳۹۶)

هر روز صبح زود زنان هوارنشین بعد از روشن شدن هوا و خواندن نماز صبح، گاوها را می‌دوشند و شیر آنها را جمع کرده و به کپر می‌آورند. سپس آنها را برای چریدن راهی دشت و صحرا می‌کنند و دیگر نیازی به چوپان ندارند و تا قبل غروب به محل هوار و کلارها برمی‌گردند. جالب این که همه دامها و گاوها خودشان مسیر کلار صاحب خود را یاد گرفته و بدون هدایت صاحبان دام، راه خود را پیدا می‌کنند. تقریباً بیشتر خانواده‌ها هفت گاو و بعضی حتی تا پانزده گاو هم دارند. قبل از غروب آفتاب و به هنگام برگشتن گاو به هوارگه، زنان دوباره گاوها را می‌دوشند و به آنها آب و علف داده و آنها را راهی «که‌لار» شان می‌کنند تا در آن جا استراحت کنند. این روند در هوار همه روز تکرار می‌شود. در میان مردم اورامانات به بز و گوسفند در اصطلاح محلی «حیوانه ورده» می‌گویند. شیردوشی بز و گوسفند هم در طول روز در دو مرحله انجام می‌گیرد که در اصطلاح محلی به آن «گه له بی ری» می‌گویند. معمولاً چون تعداد بز و گوسفندها در هوار نسبت به گاوها بیشتر است و همچنین نگهداری از آنها در کنار کپر و محل سکونت میسر نیست، از این رو برای آن مدتی که مردم در هوار هستند چوپان به خدمت می‌گیرند. هر خانواده حدود هفتاد تا صد رأس بز و گوسفند دارند، تعداد دامهای حال حاضر مردم هوار هانیه که متشکل از دو گله بزرگ است و تقریباً هرگله حدوداً شامل دو هزار رأس بوده و در نتیجه جمعاً چهار هزار رأس بز و گوسفند در هوار هانیه روستای پالنگان وجود دارد.

هر روز معمولاً ساعت یازده صبح چوپانان گله را از دامن طبیعت و محل چرا برای نوشیدن آب و شیردوشی به نزدیک هوار می‌آورند. آب مورد نیاز هوارنشینان و نیز دامها و احشام آنها از چشمه ای که در فاصله پانصد متری هوارگه واقع شده است تأمین می‌شود. چون تعداد دامها زیاد بوده و آب خوری و شیر دوشی آنها با هم می‌تواند مشکلاتی زیادی را به همراه داشته باشد به همین دلیل، آنها را به دو گله دو هزار راسی تقسیم کرده که هر گله چوپان مخصوص خود دارد. چوپانان هر روز به صورت نوبتی و با رعایت نوبت، دامها را به هوار می‌آورند، یعنی ابتدا یکی از گله‌ها نیم ساعت زودتر از گله‌ای دیگر از چرا به محل چشمه آورده و بعد از آب

دادن به دام‌ها آنها را راهی محل استراحت و شیردوشی که در قسمت غرب هوار قرار دارد، می‌کنند. پس از نیم ساعت گله دومی گله به سر چشمه آمده و آنها نیز بعد از آب خوری راهی محل استراحت و شیر دوشی که در قسمت شرق هوار است، می‌شوند. یکی دیگر از دلایل تقسیم دام‌ها به دو گله این است که چون تعداد دام‌ها زیاد بوده، در هنگام شیردوشی شناسایی دام‌ها مشکل بوده و در نتیجه کسانی که در قسمت شرقی هوار زندگی می‌کنند دام‌های خود را به آن طرف و نزدیک کلاهای خود می‌آورند و کسانی هم که در قسمت غربی هوار زندگی می‌کنند دام‌های خود را به محل شیردوشی دام‌های خود در بخش غربی هوار می‌آورند. نکته قابل توجه این است که گله‌های دام متعلق به خانواده‌های هوار هائیه بعد از خوردن آب مسیر محل شیردوشی را در پیش می‌گیرند و هیچ گاه از مسیر همیشگی تخطی نمی‌کنند. به گفته مردم محلی حتی یک دام به اشتباه به جای دیگر نمی‌رود و همه آنها محل شیردوشی و صاحبان خود را می‌شناسند. مردم هوار پس از رسیدن دام‌ها و جمع شدن در محل استراحت و شیردوشی، همدیگر را با خبر می‌کنند و زنان و دختران و گاهی هم مردان خانواده با شور و شوق خاصی راهی محل استراحت دام‌ها که در اصطلاح محلی به آن «بی ره گا» می‌گویند می‌شوند. زنان و دخترانی که در امر شیردوشی مشارکت می‌کنند سطل‌ها و ظروف پلاستیکی کوچک را به همراه خود داشته و یک دبه بزرگ نیر برای جمع‌آوری شیر به همراه خود می‌برند.



تصویر ۱۰. تصویری از بی ره گا

همچنین هر زن یا دختری که مسئول دوشیدن شیر است، یک کیسه بر گردن خود آویزان کرده که به آن در اصطلاح محلی «کیسه لی سه» می‌گویند و حاوی نمک و مقداری نان خشک شده می‌باشد. هنگامی که می‌خواهند شیر گوسفند یا بز را بدوشند به منظور اینکه دام به راحتی اجازه شیردوشی را بدهد و شیر دوش را در امر شیردوشی اذیت نکند، مقداری از آن «لی سه» را به دام می‌دهند. معمولاً در هر نوبت کار دوشیدن دام‌ها تا یک ساعت به طول می‌انجامد.



تصویر ۱۱. تصویری از کیسه لی سه

مردان و پسران خانواده نیز در هنگام شیردوشی به زنان و دختران کمک می‌کنند و دام‌ها را تا اتمام دوشیدن نگه می‌دارند و همچنین دام‌های خود را در میان گله پیدا کرده و آن‌ها را برای شیردوشی به جای مناسب می‌برند. در میان هورامی‌ها مرسوم است که معمولاً هر خانواده دام‌های خود را تا قبل از سن یک سالگی و قبل ورود آنها به گله با روش‌ها و علائم خاصی نشان گذاری می‌کنند تا در شناسایی دام خود در میان گله بزرگ دچار مشکل نشوند. بعضی از این شیوه و علائم نشانه گذاری به این صورت است: سوراخ کردن گوش دام، ایجاد نقوش و علامت بر روی گوش یا شاخ دام، استفاده از رنگ کردن شاخ دام، بستن پارچه رنگی به شاخ یا گوش سوراخ شده دام، آویزان کردن یک وسیله فلزی یا پارچه‌ای به گردن دام و غیره. یکی دیگر از روش‌های شناسایی و پیدا کردن دام‌ها از میان گله بزرگ، بهره‌گیری از صدا زدن‌ها و نام گذاری‌های خاصی است که به محض صدا زدن هر دام، آن بز یا گوسفند صدای صاحب خود را تشخیص داده و فوراً بع بع کنان به سمت صاحب خود می‌آید.



تصویر ۱۳. ایجاد نقش بر روی گوش گوسفندان

تصویر ۱۲. تصویری از نشانه گذاری‌های دام

پس از اتمام کار شیر دوشی در هر حله اول و قبل از ظهر، زنان و دختران شیر دوشیده شده را جمع آوری کرده و محل «بی ره گا» را ترک می‌کنند و به کپرهای خود باز می‌گردند. چوپان هم پس از استراحتی یکی دو ساعته و صرف نهار به محل بی ره گا آمده

و گله را دوباره به چراگاه می‌برد. پس از چراندن گله در طول بعد از ظهر، چوپان دوباره بعد از عصر و تقریباً یک ساعت قبل از غروب گله را به هوار آورده و پس از آب دادن در محل سرچشمه که در نزدیکی هوار است به محل شیردوشی یا همان بی‌ره‌گا می‌برد. باز هم زنان و دختران برای شیردوشی عازم بی‌ره‌گا می‌شوند و دوباره پس از پایان مرحله دوم شیردوشی چوپان، گله را جمع کرده و برای استراحت و خوابیدن به مکانی نزدیک هوار برده که به آن در اصطلاح محلی «شه‌وه‌گا» می‌گویند و صبح روزهای بعد همین روال ادامه دارد.

۴-۲. الگوی دوم: هوارنشینی مبتنی بر باغداری

در حوزه شرقی هورامان، به دلیل بستر مناسب برای کشاورزی و باغداری، اقتصاد باغ محور حاکم است. در این ناحیه باغ‌های متعددی وجود دارند که غالب آنها در حومه روستاها در فواصل دور و نزدیک و در مکان‌هایی که چشمه‌ها و رودهای متعدد جاری‌اند، شکل گرفته‌اند. این باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی در فصول برداشت و پرورش محصولات به عنوان سکونتگاه دوم کاربرد داشته و اهالی بخشی از زمان خود را در طول سال که دمای روستا به نسبت هوارنشینی در باغات بیشتر است، در این بخش از استقرارگاه‌های خود سپری می‌کنند. نمونه این موارد روستاهای شیان، گلین، دولاب، ژان و ... هستند (طالب‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۹). منطقه هورامان از نظر تعداد چشمه‌ها یکی از نقاط بی‌نظیر در سطح ایران باشد. در دامنه هر کوه و تپه‌ای، چشمه‌هایی جوشان جاری‌اند. با توجه به کوهستانی بودن هورامان، اتکای عمده مردم برای آب شرب و باغداری، به چشمه‌های موجود در دامنه کوه‌های منطقه می‌باشد. گرچه تعداد قابل توجهی از این چشمه‌ها فقط در فصل بهار و اوایل تابستان دارای آب هستند. در گذشته مردمان این دیار، از آب چشمه‌ها و رودها جهت گرداندن چرخ آسیاب‌های آبی منطقه می‌کردند. به علت کوهستانی بودن و شیب زیاد، این منطقه فاقد زمین مسطح برای کشاورزی است، به همین جهت کاشت درخت یا باغداری از جمله راه‌های مهم معیشتی در میان هورامی‌ها به شمار می‌آید. آنان درخت می‌کارند و از طریق فروش محصولات آن روزگار را خود را سپری می‌کنند. در آن بخش از منطقه هورامان که از نظر معیشتی وابسته به هوارنشینی مبتنی بر باغداری هستند، اکثر خانواده‌ها دارای ییلاق یا هوار خود هستند که در آنجا درخت کاشته‌اند. از طرفی دیگر در فضای بین درختان اقدام به کاشت سبزیجات و صیفی‌جات می‌کنند. مردمانی که در منطقه هورامان به باغداری مشغول هستند، هر ساله در اوایل خرداد به میان باغ‌های خود کوچ کرده و در خانه باغ‌های خود و در جوار همسایگان خویش تا اواسط آبان ماه اطراق می‌کنند. در گذشته روستاها به مدت شش ماه خالی از سکنه می‌شد، مگر از آن گروه از اهالی که فاقد باغ و احشام بودند، تنها در روستا باقی می‌ماندند.

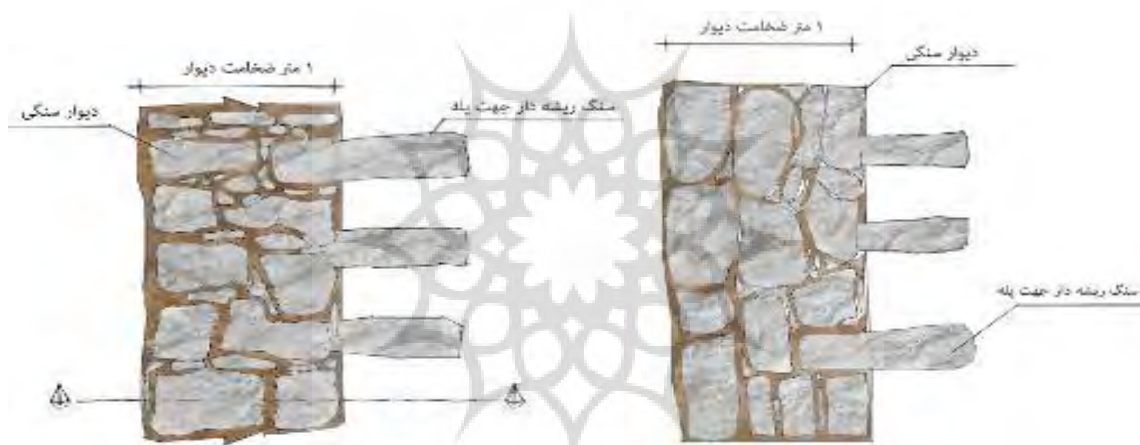
۴-۲-۱. باغداری به شیوه بساز و بکار

در منطقه هورامان کشاورزی محدود و تا حدود بسیار زیادی منحصر به باغداری می‌باشد و با روش «بساز و بکار» همراه است. مردمان این منطقه در جاهایی که زمین سنلاخی بوده و با کمبود خاک مواجه هستند با صرف انرژی زیاد، حمل و جابجایی خاک به اطراف مناطق سکونت خود در دامنه کوه‌ها، زمین مورد نیاز را برای کشت باغات هموار و آماده می‌کنند و به نوعی می‌توان آن را کشت پلکانی نامید. این نوع کشت یکی از روش‌های کشاورزی است که مردم هورامان بر آن تسلط دارند. سرزمین آن‌ها دره‌های بزرگی دارد که با دامنه‌های تپه‌ای شیب دار از هم جدا می‌شوند. از آنجا که جمعیت آن‌ها متراکم است، مردم نیاز به کشت تپه‌ها دارند. ولی اگر آن‌ها بدون هر گونه تمهیدی روی تپه‌های شیب دار کشت کنند، خاک حاصلخیز در فصل بارانی شسته و از بین می‌رود. آن‌ها برای جلوگیری از این فرسایش، تپه‌ها را تراس‌بندی می‌کنند و زمین‌هایی پله‌کانی را بر فراز بستر رودخانه می‌سازند.

چشمه‌ها، از بالای این زمین‌های پله کانی آن‌ها را آبیاری می‌کنند. با کمک کشت به شیوه تراسی، از فرسایش خاک جلوگیری شده، جلوی هدر رفتن آب باران و آب‌های سطحی دیگر گرفته شده و این آب‌ها ذخیره می‌گردند، همچنین زمین‌های کشاورزی نواحی تپه‌ای با این شیوه قابل کشت می‌شوند.

۴-۲-۲. تلان

همانطور که گفته شد هورامانی‌های در طول سالیان دراز، توانسته اند بر محدودیت‌ها و فشارهای محیطی فایق آیند و به دانش بومی و فنونی دست یافته‌اند که یاری‌گر آنها در ابعاد مختلف بوده است. در این زمینه، باغداران برای هموار کردن زمین خودشان به صورت پلکانی دیوارهایی از سنگ درست می‌کنند و آن را با خاک می‌پوشانند و به هرکدام از آنها ته‌لان گفته می‌شود. هر باغ در هورامان در برگرفته چندین تلان است که آبیاری و عبور و مرور و چیدن میوه را برای باغداران سهل و آسان می‌کند.



تصویر ۱۴. جزئیات ساخت پله برای دسترسی به تلان‌ها (ماخذ: نگارنده)



تصویر ۱۵. نمایی از پله برای دسترسی به تلان‌ها (ماخذ: نگارنده)

ارتفاع این تالان‌ها ۳ الی ۴ متر و معمولاً عرض شان از ۵ تا ۴۰ متر می‌باشد. در منطقه هورامان اگر این تالان‌ها پهنای کمی داشته باشند به آن «وچکله» «wæčækLæ» و اگر تالان‌ها در کنار رودخانه‌ها باشد و از پهنای بیشتری برخوردار باشند به آن «تهخته» «tæxtæ» گفته می‌شود.



تصویر ۱۶. نمایی از تالان در هورامان (ماخذ: نگارنده)



تصویر ۱۷. مقطع تالان‌ها و موقعیت‌های دسترسی (ماخذ: نگارنده)

به منظور آبیاری باغات در هورامان، آب چشمه‌ها یا رودخانه‌ها از طریق جویبارها به تالان‌ها هدایت شده و درختان را آبیاری می‌کنند. در هر تالان درختان در یک الی دو ردیف و با نظم خاصی کاشته می‌شوند که این امر آبیاری آن را آسان می‌کند. از مشکلات عمده در این منطقه، آبیاری درختان است. از یک طرف برای آبیاری با کم آبی و از طرف دیگر اینکه ساخت جوی‌های جهت انتقال آب مشکلاتی را به همراه دارد. زیرا منطقه شیب تندی دارد و برای جلوگیری از انحراف آب جوی‌ها باید در بعضی موارد مسیر را تا ارتفاع چندین متر دیوار بسازند تا جریان آب را روان سازند.

۴-۳. الگوی سوم: هوارنشینی ترکیبی

در حوزه مرکزی هورامان، به دلیل وجود شرایط مناسب برای کشاورزی و باغداری در ارتفاعات، ساختار ترکیبی از باغداری-دامداری در هوارها مشاهده می‌شود. در این هوارها، فضایی برای نگهداری احشام در نظر گرفته شده و بخشی هم به باغداری اختصاص یافته است. در این نوع از هوارنشینی، واحدهای مسکونی به صورت منفک و کاملاً مجزا از هم ساخته شده اما نسبت به خانه باغ‌های حوزه شرقی، پیوستگی بیشتری با یکدیگر دارند. بافت طبیعی این هوارها به شکلی است که هم فضا برای ایجاد باغ وجود دارد و هم مرتع برای چرای دام. نمونه این هوارها را می‌توان در روستاهای هورامان تخت، ناو، ژیوار و مشاهده کرد (طالب نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۹).

۵. نتیجه‌گیری

تا گذشته‌های نه چندان دور، در منطقه هورامان شیوه تولید بر مبنای استفاده بوده است و نه سود. و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در کنار شرایط محیطی، بر الگوهای تولید تاثیرگذار بوده است. در گذشته روستاییان این منطقه به تولید مواد غذایی مصرفی شان و ابزارها و وسایل مورد نیازشان بیشتر توجه داشته‌اند تا تولید برای بازار و به دست آوردن پول نقد. شیوه‌ای که مردمان منطقه هورامان با آن خود را سازمان می‌دهند، تا اندازه‌ای بستگی به محیطی دارد که در آن زندگی می‌کنند. از آنجا که محیط طبیعی هورامان از شباهت زیادی برخوردار است، مردمان این دیار در برخی از الگوهای سازمان اجتماعی نیز اشتراک دارند. مردمان منطقه هورامان معمولاً در قالب گروه‌های جمعیتی محدود و مشتکل از خانواده‌های خویشاوند نزدیک، در دامنه و قعر دره‌ها، در روستاها و مکان‌های مشخصی استقرار یافته‌اند. در بسیاری از موارد فاصله روستاها از هم زیاد و بصورت پراکنده در منطقه هورامان توزیع شده‌اند و این امر تحت تاثیر شرایطی محیطی منطقه است که حجم این روستاها و اجتماعات پراکنده را تعیین کرده است. «هر محیط محلی توان محدودی برای تامین صورت‌های زندگی در آن محیط دارد، این توان جمعیت شناختی را گنجایش حمل محیط می‌نامند که در آن نقطه یا کمی زیر آن، جمعیت باید تثبیت شود» (بیتس، ۱۳۸۷: ۱۴۸). آشکارترین عامل محدود کننده تمرکز جمعیت در منطقه هورامان، دسترسی‌پذیری به آب، خاک و مرتع می‌باشد. در این میان عامل محدود کننده عمده، زمین هموار می‌باشد که هورامانی را با محدودیت‌های در بخش کشاورزی و ساخت و ساز مواجه ساخته است. اما با این وجود، توانایی مردمان این منطقه در شناخت منابع موجود و توان سازگاری و بهره‌گیری از فناوری‌های فرهنگی به آن‌ها این امکان را داده است که بر محیط خود تاثیر بگذارند و فرهنگ غنی را به وجود آورند.

مردمان این منطقه می‌بایست راهبرد اساسی تولیدی که استفاده کمتر ولی امنیت بیشتری برایشان تامین می‌کرد را در پیش بگیرند. بدین ترتیب، آن‌ها نظام معیشتی، به نام هوارنشینی، را به مصلحت خودشان تشخیص دادند. هوارنشینی به شیوه معیشت و زیست مردمان این منطقه در ارتفاعات گفته می‌شود و هوار مکانی است در ارتفاعات هورامان که مردمان این مناطق، بخشی از سال

را در آنجا سپری می‌کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی سه الگوی غالب هوارنشینی در منطقه مشاهده می‌شود که زندگی این مردمان بر مبنای آن سامان یافته است: هوارنشینی مبتنی بر دامداری، هوارنشینی مبتنی بر باغداری و هوارنشینی ترکیبی. ویژگی‌های زیست بوم هورامان باعث شده، که زندگی در این کوهستان‌ها بیش از همه، مردم را به زمین نزدیک گرداند، مصالح ساختمانی در هورامان همانی است که طبیعت به رایگان در اختیار مردم گذاشته است. کمبود زمین باعث تجمع زنجیره وار خانه‌ها، احشام و مردمان به همدیگر شده است. به دلیل کار سبک و صرف انرژی کمتر در حوزه کشاورزی که ناشی از کوهستانی بودن منطقه می‌باشد، زنان و مردان این دیار بخش زیادی از وقت خود را به تولید صنایع دستی اختصاص می‌دهند و این نشان از این امر دارد که مردمان این منطقه توانسته‌اند بر محدودیت‌های که طبیعت بر آن‌ها تحمیل نموده، غلبه نمایند و سبک زندگی خود را با ویژگی‌های کوهستانی هورامان تطبیق دهند. این صنایع کوچک محلی در بازارهای شهرهای هم جوار به فروش می‌رسد. مواد اولیه این صنایع از تولیدات دامی آنها تامین می‌شود. کشت کاران هورامانی معمولاً کشت‌های خود را با سنگ یا پرچین‌هایی که از شاخه و برگ درختان شکسته اند، محصور کرده اند. انار و گردو، دو محصول برجسته این کوهستان هاست که باغ داران هورامانی از گذشته‌های دور تا اکنون می‌شناسند.

۶. منابع

- ابراهیمی دهکردی، امین. (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل ظرفیت‌های گردشگری هورامان با تاکید بر خوانش منظر فرهنگی، نشریه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۴(۱۳)، ۵۹-۷۷.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (۱۳۷۸)، کوچ نشینی در ایران، تهران: نشر آگه
- امینی، کورش. (۱۴۰۰)، بررسی نظام‌های آبیاری و مدیریت اراضی باغ‌ها منطقه هورامان، مطالعه موردی: باغ‌های نودشه، نشریه علمی ترویجی مدیریت اراضی، جلد ۹، شماره ۱.
- باقرنسب، محمد. (۱۳۹۰)، مستندسازی دانش بومی باغبانی و فرآورده‌های جنگلی در منطقه اورامان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدرضا همزه ای، دانشگاه رازی، دانشکده علوم کشاورزی.
- باقری سبزواری، هادی و دیگران. (۱۳۸۷)، معماری روستای پالنگان، محل انتشار: اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های سنتی زاگرس. بیس، دانیل. (۱۳۸۷)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- پیری، محمدباقر. (۱۳۹۸)، مجموعه چهارجلدی تاریخ مفصل کامیاران، جلد اول، جغرافیای تاریخی پالنگان، سنندج: مولف.
- حکیمی، امید. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین جهانی شدن و مقاصد فرهنگی گردشگری در روستای اورامان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد نجارزاده، دانشگاه سمنان، دانشکده گردشگری.
- دامن باغ، جواد، محمدرضا، ریوار، پیری، سیامک، و قادرمزی، زهره. (۱۳۹۲)، گردشگری روستایی با تاکید بر فرهنگی قومی (مطالعه موردی: روستای اورامان تخت)، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست.
- رحمانی، خلیل، پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، علیرضا. (۱۳۹۲)، برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری مذهبی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای دارای مکان‌های مذهبی اورامان تخت، نجار و هجیج، برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱۱۷(۱)، ۴۳-۶۴.
- رزاق پور، ناهید و توج روشنایی بدر. (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر اقلیم بر شکل‌گیری الگوی بومی معماری پایدار (نمونه‌ی موردی روستای اورامان)، محل انتشار: همایش ملی معماری شهرسازی عمران و گردشگری توسعه پایدار شهری
- رسول پور، هژیر. و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۵)، بررسی نقش عوامل زیست‌اقليمی بر شکل‌گیری مسکن روستایی اورامان (نمونه موردی: روستای اورامان تخت)، ماهنامه جغرافیا، عمران، شهرسازی و معماری، دوره: ۲۰، شماره: ۱.

طالب نیا، پویا، سالاری، فیروزه و شمس پیکانی، رومینا. (۱۴۰۰)، بررسی ویژگی‌های هه وراثشینی در منظر فرهنگی هورامان، مجله منظر، ۱۳(۵۶)، ۶۶-۷۳.

طیب نیا، سیدهادی، محمدی، سعدی. و منوچهری، سوران. (۱۳۹۵)، تحلیل تأثیرات گردشگری بر کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: بخش اورامان شهرستان سروآباد)، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۱۳)، ۳۲۱-۳۳۴.

عبادی، هادی، مصطفایی، عزیز. و خالدی، پوریا. (۱۴۰۰)، درآمدی بر معماری بومی هورامان، نشر دانشگاه رازی کرمانشاه.
غنیان، منصور، خانی، فضیله. و بقایی، لیلا. (۱۳۹۰)، ارزیابی فضای کارآفرینی در گردشگری روستایی (مورد مطالعه: منطقه اورامان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۲(۷)، ۹۹-۱۲۳.

قاسمی، یارمحمد، منصوری مقدم و مفاخری، جمیل. (۱۳۹۹)، تأثیرات فرهنگی گردشگری بر جامعه میزبان (مورد مطالعه: منطقه هورامان استان کردستان)، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲(۱)، ۱۲۸-۱۵۲.

کتاب، کنراد فیلیپ. (۱۳۸۶)، انسان‌شناسی؛ کشف تفاوت‌های انسانی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، تجربه نوسازی: مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

مرادی، نسرین. (۱۳۹۴)، معماری پایدار در مناطق کوهستانی ایران، محل انتشار: سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری.

منصوری مقدم، منصور. (۱۳۹۶)، مطالعات مردم‌شناسی هورامان، گزارش طرح پژوهشی مصوب پایگاه منظر فرهنگی هورامان.